

در حاشیه مذاکرات ایران و آمریکا

هلمت احمدیان

مذاکره رسمی و علنی ایران و آمریکا، روز ۱۹ فروردین پیرامون بحران عراق بعد از یک دوره اظهار نظر حول و حوش ضرورت آن از طرف سران ایران و آمریکا قرار است شروع و مقامات این دو کشور نه در خفا، بلکه بطور علنی پای میز مذاکره و گفتگو بنشینند.

مذاکره علنی و رسمی از این جهت که از سال ۵۸ که سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام به تسخیر درآمد و این امر موجب قطع رابطه رسمی بین ایران و آمریکا شد، اما در ورای همه جار و جنجالی تبلیغاتی، براساس گزارشات و مدارک موجود، همواره تلاش‌های مخفی و نیمه مخفی در سطوح مختلف بین مقامات این دوکشور برای بحث و گفتگو روی موضوعات مختلف وجود داشته است.

اینکه این تلاش‌ها هیچگاه از سطح محدودی فراتر نرفته و نتیجه‌ای نداده است به فاکتورها و موانع بسیاری که طرفین داشته‌اند برمی‌گردد، از جمله اینکه ساختار رژیم اسلامی و دخالت‌هایی که این رژیم به منظور گسترش نفوذ خود در حوزه‌های تحت سلطه آمریکا انجام داده و یا عدم تطابق سیستم اداری و اقتصادی ایران تحت حاکمیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برای رشد و گسترش و امنیت سرمایه جهانی در این حوزه و... نکات نامطلوبی بوده‌اند که همواره آمریکا را علیرغم تلاش‌هایش برای عادی سازی در روابط با ایران محتاط کرده است.

همچنین اتوپی‌ها و دخالت‌های جمهوری اسلامی با رویاهای پان اسلام‌یستی‌اش در مسائل کشورهای منطقه که با پوشش مبارزه مستضعفان در برابر استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا توجیه شده است، با قدرقدرتی آمریکا در منطقه در تعارض بوده است.

آمریکا علیرغم مشکلات عدیده‌ای که با رژیم حاکم بر ایران در سطوح مختلف همواره داشته است، علیرغم قالب‌های ایدئولوژیک و فناتیستی که رژیم ایران داشته و دارد، همانگونه که در بسیاری از نقاط دیگر جهان نیز نشان داده، همواره ظرفیت کنار آمدن با اینگونه رژیم‌ها را داشته و دارد، چرا که آنچه برای آمریکا ارجحیت دارد، نه شکل و فرم حکومت‌ها بلکه پیشبرد منافع خودش بوده است.

برای جمهوری اسلامی نیز در رویارویی با آمریکا بقایش اصل بوده و هست. این استراتژی در دورانی طولانی می‌توانست بر اساس ایجاد توهم در میان مردم حول مبارزه با کفر و استکبار و امپریالیسم جهانی حاصل شود و هنگامی که این توهم فرو می‌ریزد و اینگونه حربه‌ها کسی

بجز مزدوران خود رژیم را بر نمی‌تابد، بر راه دیگری برای ابراز قدرت، یعنی سیاست اتمی متکی می‌شود. سلاح اتمی برای رژیم جمهوری اسلامی اسم رمز سیاستی است برای سهم‌خواهی و ضمانتی برای ماندن. و به همین دلیل است که تابوی مذاکره و کنار آمدن با آمریکا اگر در گذشته خط بندی‌های جناحی در حاکمیت را رقم می‌زد، اکنون از زبان خامنه‌ای و احمدی‌نژاد بیان می‌شود. ایران بعد از ۲۷ سال رسماً از زبان جناح افراطی‌اش این پیام را اعلام می‌کند، چرا که:

— می‌داند قدرت یابی حزب الله در لبنان، حماس در فلسطین و شیعیان وابسته به رژیم ایران در عراق، موقعیت مناسبی برای معامله برایش فراهم کرده است.

— می‌داند که دخالت نظامی در ایران اگر هم صد در صد منتفی نگردیده باشد و با ترتیب و شکلی که در عراق پیش رفت در دستور نیست.

— می‌داند که اپوزیسیون بورژوازی منتظر حاکمیت آمریکا ضعیف‌تر از این هست که خطری را متوجه رژیم اسلامی سازد.

و همچنین همه و از جمله آمریکا می‌دانند که حمله نظامی یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نه فقط این، بلکه تعیین جایگزین برای آنهم. استراتژین‌های آمریکا هنوز برای هیچ‌کدام از این دو جنبه، پلاتفرم و طرح آماده‌ای ندارند.

مضافاً اینکه می‌دانند که جنبش‌های اجتماعی و مردمی در داخل ایران اگر در تغییر اوضاع سیاسی دیگری از کنترل خارج شود، می‌تواند برایشان خطرناک باشد، امری که نه به نفع آمریکا و متحدین سیاسی‌اش و نه حتی لیبرال‌های در اپوزیسیون هم نیست.

برای دولت آمریکا و متحدانش هم صرف‌نظر از همه فراز و نشیب‌هایی که در رابطه با ایران داشته‌اند، اکنون ضرورت عاجلی نیز وجود دارد و آنهم نقشی است که دولت جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی و نظامی عراق دارد. رژیم اسلامی ایران نیروهایی از قبیل حزب الدعوه، نیروی مقتداالصدر، سپاه بدر و بسیاری از رهبران ائتلاف شیعه را در اختیار دارد که می‌تواند از آنها به نفع خود در رابطه با آمریکا بهره‌برد. مشکلاتی که بر پروسه تشکیل دولت آینده عراق وجود دارد، نمونه‌ای از کارکرد رژیم اسلامی در این رابطه است. همه این نکات و باتلاقی که آمریکا در عراق در آن گیر کرده است، آنها را به مذاکره با ایران بطور رسمی و علنی ترغیب کرده است و طی یکی دو هفته اخیر از فشارهای تبلیغی‌اش بر علیه ایران کاسته است.

جریان‌ات لیبرال و ناسیونالیست کرد که به حمله نظامی آمریکا امید بسته‌اند و یا محاصره اقتصادی «هوشمندانه» ایران توسط آمریکا را قبول دارند و مردم را به بند و بست‌های بالایی‌ها

روی زندگی و سرنوشت شان متوهم می کنند، عملاً مردم را در حال انتظار حمله آمریکا نگه می دارند و این خواسته یا ناخواسته معنایی به جز خارج کردن رژیم جمهوری اسلامی از زیر ضرب مبارزات مردم ندارد. مردم به رژیم اسلامی حمله نکنید، چرا که آمریکا حمله می کند!

اگر حمله نظامی به ایران بنا به فاکتورهایی که برشمرده شد در شرایط فعلی دشوار است، اگر چه تهدید و حمله نظامی می تواند همواره وجهی از سیاست های اشغالگرانه آمریکا باشد و در صورت وقوع باید نیروهای انقلابی و چپ برای مقابله و علیه عوارض ویرانگر آن خود و مردم را آماده سازند، اما بزرگنمایی عامدانه روی این مسئله از طرف جریانات پرو آمریکایی در شرایط کنونی با هدف خاص خود صورت می گیرد و بخشی از افق آنها برای تغییر حاکمیت از بالا است.

آماده سازی و مقابله مردم در مقابل تغییر احتمالی اوضاع، حمله مردم به رژیم و شکل مبارزه شان برای تعیین سرنوشت خویش، می باید فراسوی دیپلماسی ریاکارانه و معامله گرانه سران رژیم اسلامی با اشغالگران جهان خوار آمریکایی و متحدینش تعیین شود. آمریکا چه با کمک تانگ هایش و سرنگونی رژیم، چه با دیپلماسی و سازش با رژیم اسلامی، ارمغانی بیش از آنچه برای مردم عراق آورده، برای مردم حق طلب و ستمدیده ایران به همراه نمی آورد.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۶۹